

فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۵، تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۱۲۵ تا ۱۵۲

راهکارهای گسترش سطح نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تأثیرگذار عمومی در محیط امنیتی (با مطالعه موردی سوریه)

محمدجواد رضوانی^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

چکیده

حضور در لایه‌های اجتماعی و نفوذ در افکار عمومی در محیط امنیتی پیرامون، یکی از مهم‌ترین راهبردهای کشورها به منظور گسترش و کیفی‌سازی حضور است که جنبه‌های رسمی آن در قالب دیپلماسی عمومی و جنبه‌های غیررسمی آن در قالب تعاملات و نفوذ فرهنگی در روابط ادبیات بین‌الملل مطرح می‌گردد. مقاله حاضر به دنبال این است که ضمن طرح موضوع کیفی‌سازی سطح حضور و نفوذ در لایه‌های اجتماعی - در مقابل رویکردهای سنتی مبتنی بر نفوذ امنیتی - رویکردهای دیگری را بیابد که موجب گسترش نفوذ و تأثیرگذاری عمومی در محیط امنیتی شود. این مسئله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش بررسی اسنادی و همچنین روش تحلیل STEEP و با مطالعه موردی در قبال تحولات اخیر سوریه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه اتخاذ نگاهی نو به مسائل و مشکلات امنیتی، اقتصادی و فرهنگی منطقه به منظور گذار از حضور امنیتی - نظامی به حضور و نفوذ اجتماعی بایستی در دستور کار قرار گیرد. رویکردهای نرم در تثبیت نگاه و اقدامات ایران در سوریه به منظور حفظ و تعقیب منافع امنیت ملی ضروری است و در کنار آن نگاه آینده‌پژوهانه برای ایجاد همگرایی جامعه هدف با منافع امنیت ملی ایران توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: محیط امنیتی، نفوذ، منافع امنیت ملی، دیپلماسی عمومی.

۱. دکترای امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی. ایمیل: Mj.ramezani@gmail.com

۱. مقدمه

بدیهی است که اندیشه‌ها و تفکرات برآمده از انقلاب اسلامی ایران همانند سایر انقلاب‌های اجتماعی در محدوده خود باقی نماند، چراکه صدور انقلاب از پیامدهای طبیعی انقلاب‌هاست و هر انقلابی بعد از به ثمر رسیدن، تأثیراتی بر محیط پیرامون خود می‌گذارد و در پی معرفی دستاوردهای خود به دیگران می‌باشد. هم‌زمان با استقرار نظام اسلامی در ایران، شرایط و بستر مناسب برای صدور دستاوردهای انقلاب اسلامی، فراهم گردید. در این زمان، فاز صدور انقلاب و عملی شدن رسالت بین‌المللی آن توسط امام خمینی^(ره) کلید خورد و در سطح کلان، میان جریان‌های داخلی و مجامع جهانی، مطرح گردید و جزو اهداف اصلی انقلاب قرار گرفت. آن امام بزرگوار، در بُعد مخاطبان بین‌المللی صدور انقلاب، ملت‌ها را مخاطب قرار داده، ضمن تبیین اهداف صدور انقلاب، حمایت خود را از استقلال فرهنگی ملت‌ها اعلام داشتند. از جمله در یکی از فرمایشات خود، فرمودند: «معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آن‌ها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند نجات بدهند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۸۱).

اکنون که سه دهه از این واقعه عظیم گذشته است، مهم‌ترین پرسش برای هر متفکری این است که بحث کردن از صدور انقلاب در جغرافیای فرهنگی^۱ انقلاب اسلامی چه مبنایی دارد؟ و ما اکنون می‌توانیم تصویر مناسبی از تأثیر فرهنگی انقلاب اسلامی در جغرافیای وسیعی از منطقه و جهان را به‌منظور حفظ و تداوم امنیت آن داشته باشیم؟ جغرافیای فرهنگی پیش از هر چیز بیانگر چهارچوب فرهنگی است که انقلاب اسلامی در محدوده آن فعالیت می‌کند و اثرگذار است و مقدمات فکری خود را نه در یک محدوده ملی و محلی بلکه در جغرافیایی از فرهنگ منتشر می‌سازد. دقت شود که منظور از صدور انقلاب در محیط امنیتی، گسترش مرزهای جغرافیایی و یا تحمیل منافع نیست. به تعبیر امام خمینی^(ره)

«اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود. این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۸۱).

حال به رابطه میان صدور انقلاب اسلامی و منافع ملی باید پرداخته شود و اینکه اساساً چه نسبتی میان منافع ملی و به بیان دقیق‌تر منافع امنیت ملی که منحصر در یک کشور است با صدور انقلاب که موضوع چند کشوری است برقرار است. منافع ملی در همه جای دنیا، تعریف ایدئولوژیک دارد، اگر کسانی به فکر توسعه ایدئولوژیک در جهان باشند، اقتدار ملی را هم در نظر می‌گیرند. نفوذ ایران در تمام کشورها، نفوذ فرهنگی به دلیل امور خیرخواهانه است، اگر مشورت‌خواهی ایران نبود، سوریه نابود شده بود و این در حالی است که دخالت نظامی مستقیم هم نداشتیم (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۴). با همین نسبت می‌توان گفت منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران محصول تفکر و ایدئولوژی انقلابی است و تقابل منافع ملی و اصول ایدئولوژی نادرست است.

کشور سوریه عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و به تعبیر دقیق‌تر جزو کشورهای محور مقاومت است؛ بنابراین جزو حوزه منافع امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. با توجه به تحولات اخیر این کشور و بحران ناامنی و تروریسم، حضور مستشاری ایران به منظور صیانت از منافع این محور و عمق راهبردی خود طبیعی و اقدامی عقلانی است. آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، تأکید بر این مسئله است که بایستی این حضور و نفوذ از سطح امنیتی و نظامی به سطح اجتماعی و اثرگذاری بر افکار عمومی تسری یابد تا ضمن آن گسترش نفوذ کیفی‌تر گردد و همین مسئله باعث می‌شود که این عامل در زمره منافع امنیت ملی کشور در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، مهم و حیاتی تلقی شود.

۲. اهمیت و ضرورت

در زمینه چگونگی گسترش و کیفی‌سازی حضور در محیط امنیتی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و لازم است چهارچوب مناسب و مبانی و اصول تأمین منافع امنیت ملی در

محیط امنیتی تبیین شود تا اهداف اساسی و فرامرزی انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن بر اساس چهارچوب و مبانی مذکور دنبال شود. جمهوری اسلامی ایران برای تحقق یک سیاست منطقه‌ای فعال و مؤثر، بازگشت قابل توجهی به مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی خود داشته است. مسئله محوری در این خصوص، تلاش ایران برای پیاده‌سازی الگوی امنیت منطقه‌ای بومی بوده که به‌طور طبیعی در تعارض با منافع منطقه‌ای برخی بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای قرار می‌گیرد. خاورمیانه مکانی است که با وجود تأثیرپذیری شدید از سطح متغیر امنیت جهانی، هم در دوره جنگ سرد و هم پس از آن طی چند دهه گذشته، همواره از یک سطح امنیتی مستقل برخوردار بوده است و کشورها در چنین نظام امنیتی در یک شبکه وابستگی متقابل امنیتی قرار می‌گیرند، اما از آنجایی که تهدیدهای سیاسی و نظامی دارای منشأ نزدیک، تأثیر بیشتری در مقایسه با تهدیدهای دوردست دارند، از این رو حس ناامنی اغلب با نزدیکی و مجاورت همراه است (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۳۹). در واقع، جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تأمین امنیت خود به سمت ساختارهای منطقه‌ای حرکت نموده است که ضمن کسب قابلیت بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، امکان به حداقل رساندن تهدیدات امنیتی خود را پیدا نماید و در عین حال این حرکت برای برخی از کشورهای نزدیک دیگر تعبیر به تهدید شده است. ضمن اینکه کشورهای مورد نظر در همکاری‌های منطقه‌ای باید از بیشترین مطلوبیت استراتژیک برای ایران برخوردار باشند. توسعه همکاری‌های راهبردی با کشور سوریه بدون تردید یکی از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکردهای سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه بوده است و الگویی که تهران و دمشق در این خصوص دنبال نموده‌اند مبتنی بر واقعیت‌ها و نیازهای راهبردی دو کشور بوده است. سوریه بر اساس نیاز ژئوپلیتیکی و استراتژیکی و وجود تهدید رژیم صهیونیستی به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی، گزینه همراهی با جبهه مقاومت را انتخاب کرده است؛ به همین دلیل، ایران و سوریه به‌رغم داشتن سطح قابل توجهی از اختلافات فکری و اندیشه‌ای، از روابط بی‌نظیری در سطح جهان برخوردار بوده‌اند. پس از بحران تروریستی در این کشور نیز این سطح همکاری‌های راهبردی توسعه یافته است که

بسیار مهم است اقدامات و راهکارهایی تمهید شود تا این سطح همکاری، ریشه‌دار، عمیق، کیفی و طولانی مدت گردد.

با این وجود، جمهوری اسلامی ایران در این مسیر با طیفی از فشارها و چالش‌های سیاسی و تبلیغاتی مواجه بوده که به ایجاد ابهام و سؤال نسبت به جهت‌گیری‌های آن در خصوص پرونده سوریه منجر شده است که نمونه آن را در نظرسنجی از مردم کشورهای عربی می‌توان مشاهده نمود که از ایران به دلیل حمایت از سوریه انتقاد کرده‌اند. همچنین بر اساس این تبلیغات در داخل سوریه و افکار عمومی ایران نیز برداشت‌های ناصحیحی وجود دارد که در مجموع، این موانع و چالش‌ها ضرورت پیگیری آن را حیاتی می‌سازد. این مهم نشان می‌دهد که ضرورت نفوذ در لایه‌های اجتماعی و افکار عمومی مؤثر در کشور سوریه و دیگر کشورهای عربی برای حفظ و تداوم تعقیب منافع امنیت ملی هم‌پایه، حضور امنیتی و نظامی است.

۳. سؤال تحقیق

از نظر بوزان، دولت دیگر تنها مرجع امنیت محسوب نمی‌شود، افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی، رسانه‌ها و تروریسم، همگی در وجوه امنیت مرجع هستند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۸). هرچند وضعیت فعلی حضور جمهوری اسلامی ایران در لایه‌های اجتماعی و تأثیرگذار عمومی مناسب است و از اقدامات ایران با عناوین مختلف استقبال می‌شود، اما در صورت ضرورت مواجهه با عوامل کاهنده و یا پیشران در تعقیب این منافع در محیط امنیتی، الزامات حفظ و تداوم این شرایط را باید مدنظر داشت. لذا سؤالات این تحقیق عبارت‌اند از:

۳-۱. الزامات حفظ و تداوم شرایط برای حضور و نفوذ در لایه‌های اجتماعی و

تأثیرگذار عمومی در محیط امنیتی سوریه چیست؟

۳-۲. راهکارهای گسترش و کیفی‌سازی سطح حضور و نفوذ در لایه‌های اجتماعی و

تأثیرگذار عمومی در محیط امنیتی سوریه چیست؟

پاسخ به این سؤالات موجب تحقق اهداف و منافع امنیت ملی می‌شود؛ اما با توجه به اکتشافی بودن موضوع، فرضیه‌ای را برای تحقیق متصور نیستیم.

۴. روش تحقیق

ادبیات پژوهش و مباحث نظری آن به صورت کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و سندپژوهی، گردآوری شده است. به منظور تحلیل داده‌ها و دستیابی به راهکارها نیز از روش STEEP که یکی از مشتقات روش تحلیل PEST است که به رصد عوامل و متغیرهای زیر می‌پردازد استفاده می‌گردد: اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، فرهنگ محیطی، سیاسی، ارزش‌ها. این روش نسبت به PEST به واسطه پرداختن به فرهنگ محیطی و ارزش‌ها دارای مزیت می‌باشد. با بررسی و رصد متغیرهای پیش‌گفته می‌توان به ارزیابی مسائل و روندها و درک کامل محیط رسید و مدل‌ها و الگوهای در حال ظهور را شناسایی و پیشران‌ها و ظرفیت‌های بالقوه آینده را استنباط کرد و با ترسیم چشم‌انداز و ویژگی‌های محیط‌های آینده، برای فرصت‌ها و تهدیدها آماده بود و به برنامه‌ریزی راهبردی دست زد.

۵. ادبیات تحقیق

ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه حضور در محیط امنیتی، تعقیب منافع امنیت ملی و نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تأثیرگذار عمومی توسط نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی تولید شده است که ابعاد و وجوه مختلف این مفهوم و پدیده را تجزیه و تحلیل کرده است. با توجه به ترکیبی بودن موضوع مورد بحث، ادبیات آن نیز تقسیم‌بندی می‌شود. دسته اول ادبیات موجود در حوزه صدور انقلاب اسلامی است که به‌عنوان یکی از موضوعات سیاست خارجی ایران به آن می‌پردازد و یا پیامدها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت ایدئولوژیک خود و ایده‌نشر و صدور این ایده‌ها و ارزش‌ها سعی دارد از بسترهایی استفاده نماید که به تفصیل در اندیشه‌های امام خمینی، مقام معظم رهبری، قوانین بالادستی مانند قانون اساسی و سند چشم‌انداز ذکر شده است

(نک: اسپوزیتو، ۱۳۸۲؛ نجفی، ۱۳۸۷؛ اخوان مفرد، ۱۳۸۱؛ محمدی، ۱۳۸۵؛ یزدانی، ۱۳۹۱؛ شایسته، ۱۳۹۴).

دسته دوم به مسئله جایگاه ارزش‌ها و ایدئولوژی در سیاست خارجی می‌پردازند که محوریت آن نیز لحاظ کردن این ارزش‌ها و اعتباربخشی به آن در اذهان عمومی ملت‌ها در کشورهای دیگر است که به قدرت نرم و بحث دیپلماسی عمومی تعبیر می‌شود. قدرت نرم، توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به‌جای اجبار یا تطمیع است. قدرت نرم یک کشور بستگی به منابع فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌هایش دارد (نک نقیب‌زاده، ۱۳۸۱؛ مولانا، ۱۳۸۷؛ افتخاری، ۱۳۸۹؛ ملکی، ۱۳۸۵؛ محمدی، ۱۳۸۷؛ کریمی‌فرد، ۱۳۸۸ در داخل کشور و Fox, 2008; Nye, 2004; Sampson, 1987; Gonesh, 2005 بین‌الملل). مت آرسترانگ^۱ در مقاله‌ای استدلال می‌کند که دیپلماسی عمومی لباس رزم بر تن دارد و با این توصیف کاربرد آن را به حوزه نظامی می‌کشاند. آنتونی پرات کاینس^۲ تحلیل عمیق و مفصلی را از نفوذ اجتماعی و کاربرد آن در دیپلماسی عمومی تحت شرایط تعارض و درگیری ارائه می‌کند. گاس و سیتز^۳ در مقاله‌ای این مسئله را که چگونه اعتبار و مقبولیت، خصوصیت اصلی دیپلماسی عمومی در کسب و جاهت و اشتها ملی است، توضیح می‌دهند (Snow and Taylor, 2009)؛ اما مرتبط‌ترین بحث در حوزه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی با موضوع این مقاله، راهبرد قدرت هوشمند است که منابع قدرت نرم و سخت را ترکیب می‌کند. دیپلماسی عمومی ابزاری مهم در زرادخانه قدرت هوشمند است اما دیپلماسی عمومی هوشمند مستلزم فهم نقش اعتبار، خودانتقادی و نقش جامعه مدنی در تولید قدرت نرم است. دیپلماسی عمومی که به تبلیغات تنزل یابد نه تنها نمی‌تواند متقاعد کند بلکه ممکن است قدرت نرم را از بین ببرد (Ernest, 2008: 124).

دسته سوم به مسئله رویکردهای امنیتی و مکاتب امنیتی که امنیت را فراخ و حیثه‌های آن را بسط یافته می‌دانند می‌پردازد. از جمله مکتب امنیتی کپنهاگ که با نقد رویکردهای سنتی، تعقیب منافع امنیتی را تنها در حضور نظامی نمی‌داند، بلکه امنیت را مبنی بر

-
1. Matthew C. Armstrong
 2. Anthony Pratkains
 3. Robert H. Gass and John S. Seiter

رویکردهای انسانی و به‌ویژه اجتماعی شده می‌داند (نک: Pfaltzgraff, 1981; Shestack, 1989). امروزه با شکل‌گیری جوامع مدرن، تعاریف جدیدتری از امنیت ملی ارائه شده است. دولت‌ها به دنبال نیازهای داخلی، شرایط ژئوپلیتیکی و تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را به‌منظور تأمین اهداف و منافع ملی خود برمی‌گزینند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها استراتژی اتحاد و ائتلاف است. شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای (دوجانبه یا چندجانبه) به این معنی است که در یک نظام منطقه‌ای، چالش‌های امنیتی فرا روی دو یا گروهی از کشورها چنان به هم گره می‌خورد که امنیت ملی‌شان نمی‌تواند در یک نگاه واقع‌بینانه جدا از یکدیگر تعریف گردد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۴۸۵).

۱-۵. تعاریف

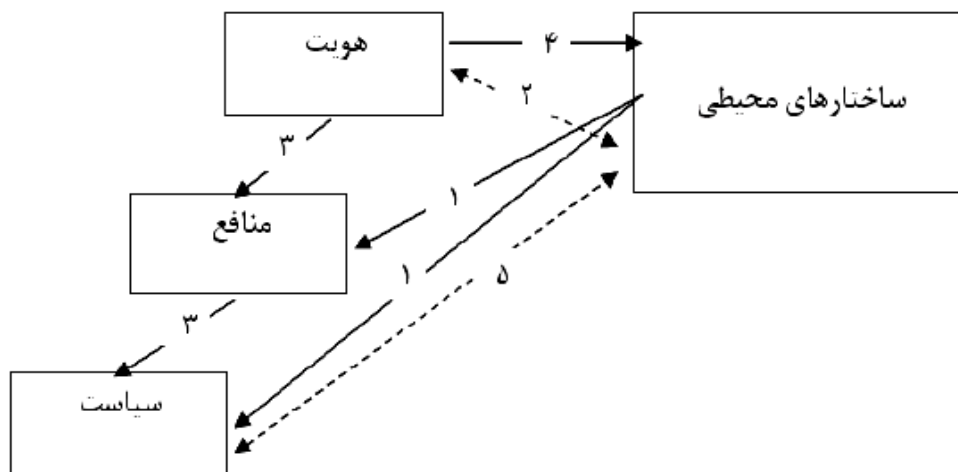
۱-۱-۵. محیط امنیتی

محیط مفهومی است مکان محور که در ابعاد چندبعدی مبتنی بر تفسیر و تحلیل پدیده‌های برخاسته از ترکیب انسان، نیاز و نهاد در دو قالب ذهنی و عینی و جغرافیامحور، مشخص، تحصیل و تغییر می‌یابد. چگونگی بروز و ظهور هر پدیده امنیتی منوط به شرایطی است که در محیط وجود دارد و به محیط پیرامونی که دارای مؤلفه‌های امنیتی باشد، محیط امنیتی گویند. محیط امنیتی رویکردی به فضا، جو یا مکانی جغرافیای پایه است که منافع حیاتی و یا مهم یک کشور در آن قرار گرفته و به‌واسطه دسترسی به آن و بهره‌برداری از آن می‌بایستی مورد برنامه‌ریزی و توجه حفاظتی، سیاسی و دیگر ارکان قدرت قرار گرفته؛ به‌گونه‌ای که در پناه این کارکرد بتوان امنیت کشور را در یک بلندای زمانی و راهبردی تعیین نمود. در این تعریف منظور از فضا هم محیط حقیقی است و هم مجازی و منظور از جو نیز شامل فکری، روانی و فیزیکی (مانند مدارها، ماهواره‌ها و...) است. همین‌طور جغرافیا به سخت، نیمه‌سخت و نرم تقسیم‌بندی می‌شود.

برنامه‌ریزی در محیط امنیتی شامل مشخص کردن چهار محور است.

۱. نیاز به احساس امنیت و واقعی سازی آن.
۲. شناخت ماهیت تهدید؛ ترسیم ضرورت‌های ثبات و شکل‌دهی حوزه‌های اقتدار ملی.
۳. برنامه‌ریزی؛ بر اساس اینکه تهدید چیست؟ نیازهای امنیتی کجاست؟ اسباب اقتدار و ثبات چگونه در محیط محقق می‌شود؟
۴. کشف مسئله بر اساس مسئله‌یابی و حل مسئله.
برنامه‌ریزی بر اساس موضوع مسئله‌یابی یا مدیریت و برنامه‌ریزی، پاسخ این سؤال‌ها را پیدا و بر اساس آن، محیط را تنظیم می‌کند؛ اما این مسئله که آیا اساساً امکان برنامه‌ریزی برای گسترش سطح حضور و نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تأثیرگذار عمومی در محیط امنیتی امکان‌پذیر است یا خیر منوط به این است که ویژگی‌های محیط امنیتی و غیرامنیتی را بدانیم.
۱. محیط امنیتی محیطی است که هدف و غایتش حفاظت از نهاد قدرت و دستاوردهای آن است؛ اما محیط غیر امنیتی محیطی است که هدف و غایتش توسعه مشارکت آحاد مردم در بهره‌گیری از منابع قدرت است.
۲. محیط امنیتی به دنبال ایجاد ثبات و اقتدار در نفی تهدید است؛ یعنی همیشه ثبات و اقتدار را در محیط اصل قرار می‌دهد. این با سنجش میزان تهدید میسر است؛ اما در محیط غیر امنیتی، بیشتر صداقت نهادهای مردمی و مشارکت همه‌جانبه در ارتقای سطح قدرت ملی اصل می‌باشد؛ یعنی ارتقای سطح قدرت ملی را دنبال می‌کند اما از طریق مشارکت آشکار و همه‌جانبه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و
۳. در محیط امنیتی به‌طور عمده طیف رفتارها از یک رفتار سخت و فیزیکی به یک طیف نرم گرایش دارد، اما طیف رفتارها در محیط غیر امنیتی به دنبال پویایی، تحرک، همدلی و مسئولیت‌پذیری تمام اعضای جامعه است.
۴. محیط امنیتی به دنبال تحکیم و تمرکز بخشیدن منافع امنیت ملی است و حفاظت از

آن در قالب توسعه توانایی سیستم توسعه قدرت است. اصل بر توانمندی توسعه قدرت قرار می‌گیرد اما از طریق حفاظت و تحکیم بخشیدن به منافع امنیت ملی. بدیهی است که محیط امنیتی با این توصیف نمی‌تواند تنها در چهارچوب حضور نظامی، نیمه‌سخت و سیاسی خلاصه شود و حتماً به تشریح مساعی محیط با مشارکت اجتماعی نیاز دارد. با توجه به تحولات عمده در سیاست و امنیت بین‌الملل و برجسته شدن ابعاد موسع امنیت همچون امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی، امنیت زیست‌محیطی و... شاهد شکل‌گیری معادلات فرانظامی و فرااستی در حوزه‌های امنیت هستیم.



نمودار ۱: سطوح مختلف محیط امنیتی

(Jepperson, Wendt and Katzenstein 1996: 68)

بحران سوریه، مسائل بسیار جدی را برای کشورهای منطقه به وجود آورده است، به طوری که با توجه به ارتباطات اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی این کشورها با کشورهای غربی و همچنین ادعای این کشورها مبنی بر داشتن منافع ملی در این منطقه، پای ابرقدرت‌های بزرگ اقتصادی و نظامی نیز به بحران سوریه باز شده است که این مسئله دستیابی به منافع امنیت ملی را دشوارتر می‌سازد. یکی از مشکلات اصلی امنیتی ایران در منطقه خاورمیانه، فقدان متحد استراتژیک (به غیر از سوریه) چه در سطح منطقه و چه فراتر

از آن است. در این وضعیت، کشور سوریه به‌عنوان تنها متحد استراتژیک ایران می‌تواند نقش بسیار مهمی را برای سیاست‌های امنیتی ایران بازی کند. ایران بایستی سیاست‌های دفاعی و امنیتی خود را با توجه به این وضعیت و در پاسخ به تهدیدات برخاسته از آن منطبق نماید (کریمی، ۱۳۸۴: ۵۲). در اینجاست که سوریه نقش خود را برای ایران آشکار می‌کند.

۵-۱-۲. نفوذ اجتماعی

برای نفوذ اجتماعی، تعاریف بسیار مشابه در کتاب‌های روان‌شناسی اجتماعی، توسط اندیشمندان این علم ارائه شده است. فرنج و ریون نفوذ اجتماعی را مستلزم آن می‌دانند که شخص یا گروه برای تغییر نگرش‌ها یا رفتار دیگران، «قدرت اجتماعی» خود را اعمال کند. منظور از قدرت اجتماعی، نیرویی است که شخص نفوذکننده جهت ایجاد تغییر مورد نظر در اختیار دارد. این قدرت محصول دسترسی به برخی از منابع و امکانات است (مثل: پاداش‌ها، تنبیهات و اطلاعات) این منابع و امکانات نیز یا محصول جایگاه اجتماعی افراد در جامعه و یا محصول علاقه و تحسین دیگران می‌باشند (فرانزوی، ۱۳۸۱: ۱۷۸-۱۷۷). مفهوم نفوذ اجتماعی آن است که کسی توان تحت تأثیر قرار دادن دیگران را چه با گفتار و چه با رفتار خود داشته باشد. وقتی در «عرف» گفته می‌شود فلانی شخص بانفوذی است، به این معنی است که او با پول خود و یا از طریق دوستی و آشنایی، قادر به انجام کارهایی است که از همه کس برنمی‌آید؛ اما در «روان‌شناسی اجتماعی» توان هم‌رنگ کردن فرد با گروه و کنترل فرد از سوی گروه است (کریمی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

نفوذ اجتماعی سه نوع مهم از پیامدهای رفتاری را به دنبال دارد:

۱. پذیرش؛ پذیرش؛ یعنی اجابت یک درخواست صریح و مستقیم در حضور دیگران. مردم هنگام پذیرش یک درخواست مستقیم ممکن است قبلاً با آن درخواست موافق باشند یا مخالف یا ممکن است نظری در مورد آن نداشته باشند.
۲. اطاعت؛ در موقعی که درخواست‌های دیگران را قبول نمی‌کنیم، دیگران ممکن

است به دومین پیامد رفتاری نفوذ اجتماعی؛ یعنی «اطاعت» متوسل شوند. اطاعت عبارت است از انجام یک دستور صریح که معمولاً صادرکننده آن شخصی قدرتمند یا دارای پایگاه بالایی اجتماعی است. چون اکثر ما از کودکی یاد گرفته‌ایم که به افراد صاحب قدرت احترام بگذاریم و از آن‌ها (مثل معلمان، پدر و مادر، پلیس) اطاعت کنیم. اطاعت از مظاهر قدرت، یک امر متداول و نشانه پختگی است (فرانزوی، ۱۳۸۱: ۱۷۹-۱۷۸).

۳. هم‌رنگی! هم‌رنگی یا هم‌نوازی در نتیجه فشار غیرمستقیم گروه انجام می‌گیرد. این امر، ناشی از این واقعیت است که در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی، قواعدی برای رفتار وجود دارد که معین می‌کند، افراد جامعه در موقعیت‌های مختلف چه رفتاری باید داشته باشند. اغلب افراد به این هنجارها پایبندند و خود را به آن‌ها ملتزم احساس می‌کنند. گرچه ممکن است در وهله اول تصور کنیم که این هنجارها آزادی فرد را محدود می‌کنند؛ اما باید توجه داشت که بدون وجود آن‌ها جامعه دچار هرج و مرج خواهد شد (آذربایجانی، ۱۳۸۵: ۳۶۴).

۵-۱-۳. قدرت نرم

قدرت نرم بر توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران استوار است، با مقوله‌های نامحسوس و ناملموس مانند جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع و اخلاقی تلقی می‌شوند (Nye, 2004: 6). قدرت نرم صرف نفوذ نیست، هرچند یک منبع نفوذ است. نفوذ می‌تواند به قدرت سخت تهدیدات یا تطمیع‌ها نیز بستگی داشته باشد. قدرت نرم از اقناع صرف یا توانایی تحریک مردم با استدلال فراتر می‌رود، هرچند اقناع بخشی مهم از آن به شمار می‌آید. از دیدگاه رفتاری، قدرت نرم، قدرت جذاب است و از دیدگاه منابع، منابع قدرت نرم موهبت‌هایی هستند که این جاذبه را تولید می‌کنند (Nye, 2004: 7-8). قدرت نرم یک کشور در وهله نخست به سه منبع بستگی دارد: فرهنگ (در مواردی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (وقتی که در داخل و خارج به آن‌ها عمل شود) و سیاست خارجی (وقتی که مشروع و دارای اقتدار

اخلاقی دیده شود). فرهنگ مجموعه رویه‌هایی است که به جامعه معنا می‌بخشد و مظاهر متعددی دارد (Nye, 2002: 17).

در مجموع سیاست‌های دولت در داخل و خارج یکی از منابع بالقوه قدرت نرم محسوب می‌شود. نای با مطالعه سیاست‌های آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی به این نتیجه رسیده است که سیاست‌هایی که ریاکارانه، متکبرانه، بی‌تفاوت نسبت به افکار دیگران یا مبتنی بر رویکرد کوتاه‌نظرانه نسبت به منافع ملی باشد، موجب تضعیف قدرت نرم می‌شود و مردم عراق از این حیث با بوش و سیاست‌های او مخالفت کردند. کشورهای در عصر اطلاعات می‌توانند قدرت نرم کسب کنند که یا صاحب فرهنگ و ایده‌های اصلی باشند که هنجارهای حاکم جهانی باشد (مانند لیبرالیسم، پلورالیسم و خودمختاری)، کشورهایی که بیشترین دسترسی را به کانال‌های چندجانبه ارتباطات دارند و از این رو از نفوذ بیشتری در شکل‌دهی موضوعات برخوردارند و یا کشورهایی که اعتبارشان تحت تأثیر عملکرد و کارایی داخلی و بین‌المللی آن‌ها افزایش می‌یابد (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۷). این مطالعات نای نشان می‌دهد که برای افزایش قدرت نرم بایستی با دوری از رویکردهای منفی به دنبال حاکم‌سازی هنجارهای خود، افزایش ارتباطات برای نفوذ و افزایش اعتبار ناشی از عملکرد مثبت بود که این موارد در مورد قدرت نرم ایران در سوریه قابل تطبیق است.

۵-۱-۴. منافع امنیت ملی

بر اساس یک تعریف، منافع امنیت ملی عبارت‌اند از: بنیان‌هایی برای اهداف معتبر یک ملت برای پیشرفت که شامل دستیابی به اهداف سیاسی، چهارچوب‌ها، پیشرفت و بهبود اقتصاد و حفظ نظم بین‌الملل با حمایت از منافع و متحدان می‌شود.^۱ منافع امنیت ملی دو کارکرد مهم دارند. نخست به‌عنوان ابزار تحلیل مثبت برای فهم آنچه که می‌تواند از سیاست‌های درست پشتیبانی کند و دوم به‌عنوان یک هنجار که سهمی از پیش را در مسئله

1. Dictionary of Military and Associated Terms. US Department of Defense 2005.

ائتلاف‌سازی به کار می‌برد و یا از حقوق در مقیاس بزرگ و سودهای خارجی حفاظت می‌کند (Setty, 2012: 229).

در تعریف منافع امنیت ملی گفته‌اند که تبلور و جلوه امنیت‌ساز ارزش‌ها و منافع برخاسته از آن در نزد عموم مردم کشور و یا تعبیری از سیاست امنیت‌ساز کشور که برخاسته از منافع عمومی است. به این معنا که سیاست امنیتی تنها رشته‌ای از اقدامات ملی به شمار نمی‌رود، بلکه اصولی است که از اقدامات ملی تأثیر می‌پذیرند و بر آن اثر می‌گذارند یا اهدافی از امنیت ملی که باید برآورده گردند را نیز شامل می‌شوند. منافع امنیت ملی آشکارترین رویکرد در تعقیب منافع است اما منافع امنیت ملی ضروری‌ترین و حفاظت‌شده‌ترین نحوه در تعقیب منافع ملی است. منافع امنیت ملی به دنبال حفظ امنیت ملی و توان حفاظت از آن در فراسوی مرزهاست.

۶. یافته‌های پژوهش

بحران کنونی سوریه ممکن است منجر به همان چیزی شود که باری بوزان از آن به‌عنوان تحول ساختاری در مجموعه امنیتی نام برده است که ناشی از حضور قدرت‌های خارجی در این مجموعه می‌باشد. از طرفی در مورد سوریه که در حال حاضر درگیر جنگ داخلی است دگرگونی داخلی در کشور سوریه نیز باعث برهم زدن مجموعه امنیتی در قبال ایران خواهد شد. چراکه روند تغییر در ساختار قدرت در سوریه منجر به تغییر در صف‌بندی بین کشورها شده و این صف‌بندی و آرایش جدید بازیگران منطقه، باعث حضور فراگیرتر بازیگران فرامنطقه‌ای می‌شود و در نتیجه به انزوای بیشتر ایران در محیط امنیتی منطقه می‌انجامد که تبعات بین‌المللی را برای ایران به همراه خواهد داشت. با توجه به اینکه ساختار امنیتی بین ایران و سوریه دارای ریشه تاریخی است، ظهور بحران در سوریه باعث می‌شود که ایران دست به اقداماتی در راستای حفظ این ساختار بزند و تغییر ساختار نیز مبتنی بر عوامل محیطی است. از جمله عوامل محیطی‌ای که می‌توانند موجب تقویت و یا کاهش توانمندی‌های مدیریت امنیتی این مؤلفه شوند، بر مبنای روش تحلیل STEEP در

موارد ذیل قابل دسته‌بندی است:

۶-۱. مناسب‌ترین رویکرد در شناخت و تحلیل امنیت منطقه‌ای شامل بررسی رابطه

میان مؤلفه‌های ذیل است:

هندسه قدرت، بسترهای جهش، بازیگران منطقه و شبکه‌های ارتباطی، توان تأثیرگذاری بر لایه‌های اجتماعی به سطح نفوذ، گسترده و دامنه نفوذ و تجمیع منابع قدرت بازمی‌گردد. تداوم آن نیز بستگی به تولید منابع جدید قدرت، تجمیع قدرت حاصل و تثبیت و نهادینه کردن قدرت دارد.

۶-۲. گفتمان‌سازی از دلایل حضور: جمهوری اسلامی ایران حمایت از سوریه را

هیچ‌گاه متکی بر نگاه مذهبی و طایفه‌ای دنبال نکرده است؛ حتی برعکس، جمهوری اسلامی ایران بر اساس مهم‌ترین مسئله جهان اسلام؛ یعنی موضوع فلسطین به رابطه با سوریه اهمیت داده است؛ بنابراین حمایت ایران از سوریه به مثابه تلاش برای تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی ایران در قضیه فلسطین است. پس از بحران تروریستی و حضور داعش نیز حضور ایران به منزله دفاع از محور مقاومت است که طی آن به منافع جهان اسلام توجه شده است. بررسی رابطه بین ایران و سوریه و همچنین نوع نگاه آن‌ها به مسائل و مشکلات بین‌المللی مختلف که امنیت این دو کشور را تهدید می‌کند، دارای ریشه تاریخی است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین نوع رابطه آن‌ها با رژیم صهیونیستی مشخص‌کننده بسیاری از مسائل مشترک بین دو کشور است. ترویج و بسط این گفتمان تأثیر به‌سزایی در پذیرش و درک دلایل حضور ایران در سوریه در افکار عمومی و لایه‌های اجتماعی خواهد داشت.

۶-۳. ایجاد زمینه‌های پذیرش مردمی حضور: این گفتمان که حکومت سوریه به دلیل

اتکا بر مؤلفه‌های داخلی توانسته است در مقابل دشمنان خارجی ادامه حیات دهد، تأثیر مناسبی بر روحیه ملی مردم خواهد داشت. شاید مهم‌ترین اشتباهی که ارتش آمریکا پس از اشغال افغانستان و عراق مرتکب شد و موجب شد تا حضورش با پذیرش عمومی مواجه نگردد، رویکرد غالب و تکبرگونه‌ای بود که خود را ناجی و بازیگر اصلی و مؤثر معرفی

می‌کرد. به عبارت دیگر بایستی گفت، مشروعیت سیاسی و اجتماعی حکومت اسد مانع از سقوط وی شده است نه حمایت عامل خارجی.

۴-۶. اشتراک منافع امنیت ملی: از آنجا که جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته در هم‌پیمانی با سوریه توانسته بود جبهه نیرومندی برای توسعه اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود ایجاد نماید، سقوط حکومت کنونی سوریه موجب از بین رفتن بخش عمده‌ای از دستاوردهای سیاست خارجی ایران می‌گردد. به عبارت دیگر، بی‌تفاوتی در پرونده سوریه به منزله خطای استراتژیک است که بسیاری از دستاوردهای منطقه‌ای ایران را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. در نتیجه هرچه منافع امنیت ملی بیشتری در حوزه مشترک میان ایران و سوریه قرار گیرند، حضور در محیط امنیتی سوریه پذیرفتنی‌تر می‌گردد. دولت سوریه آخرین سنگر از کشورهای عربی است که همچنان در مقابل رژیم صهیونیستی ایستاده است. با توجه به اینکه یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبارزه با رژیم صهیونیستی بوده، از این لحاظ دو کشور همسو بوده‌اند.

۵-۶. امنیت در عرصه بین‌المللی: وجوه امنیتی بین ایران و سوریه تنها در راستای مجموعه امنیت منطقه‌ای و دوجانبه تعریف نمی‌شود؛ بلکه این اتحاد امنیتی می‌تواند در عرصه بین‌المللی نیز تأثیر بگذارد و روابط بین ایران و سایر ابرقدرت‌های جهان نیز در قبال این وضعیت تعیین شود. سطح جهانی به‌خودی‌خود به‌طور عمده به‌عنوان منبع قدرتمند تهدید در منطقه خاورمیانه و درعین‌حال منبعی برای پشتیبانی از رقابت‌های بومی به‌شمار می‌رود. لذا این اتحاد می‌تواند تنظیم‌کننده روابط قدرت‌های بزرگ با کشورهای منطقه باشد.

۶-۶. قدرت‌نمایی منطقه‌ای: تثبیت حکومت سوریه به‌طور مؤثری در افزایش و تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران مفید خواهد بود؛ به عبارت دیگر، این امر موجب افزایش میزان اعتماد عمومی کشورها و ملت‌های منطقه نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای ایران و حقانیت آن خواهد شد. چراکه وزن حضور و بازیگری بازیگران در سوریه با یکدیگر مقایسه و در نتیجه آن طرف پیروز صاحب تمام دستاوردها خواهد شد که از جمله آن نفوذ اعتبار و

جایگاه در افکار عمومی محیط امنیتی و منطقه است.

از سوی دیگر سوریه به دلایل خاص خود، امکان حضور ایران در لبنان را تأمین و تضمین می‌کرد. این امر موجب پیدایش حزب‌الله، تشدید حرکت اسلامی در فلسطین اشغالی و فشار بر رژیم صهیونیستی شد و تمام این جریان‌ها از نظر صدور انقلاب، بسیار موفقیت‌آمیز و سودمند تلقی می‌گردند.

۶-۷. تعریف دشمنان مشترک: عمده‌ترین هدف بازیگران مداخله‌گر غربی در هم‌پیمانی با کشورهای عربی منطقه و رژیم صهیونیستی در دامن زدن به مسئله سوریه، تلاش برای مهندسی سیاسی جدید در منطقه یا به عبارت بهتر، پیاده‌سازی الگوهای مطلوب امنیتی برای حفظ منافع راهبردی‌شان است؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران در پرونده سوریه باید از تحقق چنین هدفی جلوگیری نماید. ضمن اینکه برخی کشورهای عربی نیز به‌طور صریح خواستار جدایی و فاصله گرفتن سوریه از ایران برای توقف دخالت‌های منفی خود شده‌اند. چنان که دولت و مردم سوریه با این خواسته مخالفت کرده‌اند؛ این مسئله نشان می‌دهد حضور دشمنان مشترک و مشاهده تهدیدات و خطرات آن‌ها می‌تواند بستری برای گسترش سطح حضور به‌منظور تأمین امنیت باشد. «سوریه به جرم پشتیبانی از جریان مقاومت ضد صهیونیستی، آماج کینه سلطه‌گران بین‌المللی و کارگزاران منطقه‌ای آنان شده و به جنگ خونین داخلی گرفتار شده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۷/۲۲).

امنیت خارجی امت اسلامی با عواملی همچون ثبات امت در ایدئولوژی خود و تمسک به اسلام، وحدت امت اسلامی، پیشرفت، قدرت نظامی بازدارنده، سیاست مناسب و گفتمان‌های از اشغال و نهضت‌های آزادی‌بخش میسر است.

۶-۸. ترسیم چشم‌انداز همکاری: پرونده سوریه به‌منزله تجربه سنگینی برای جبهه مقاومت با محوریت ایران محسوب می‌شود که هرگونه پیروزی یا شکست در آن تعیین‌کننده چشم‌انداز بلندمدت حیات سیاسی سایر بازیگران جبهه مقاومت است. اظهاراتی نظیر نابودی رژیم صهیونیستی تا ۲۵ سال دیگر (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۱۸) و وعده‌های پیروزی مردم سوریه (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۹/۴) در همین راستا ایراد شده‌اند و نقش مهمی

نیز در ترسیم ایده‌ها و باورهای افکار عمومی در محیط امنیتی ایفا می‌کنند. از دیگر مؤلفه‌های آشکارکننده تحلیل امنیتی همکاری ایران و سوریه وارد کردن شاخص‌های غیرنظامی در تحلیل امنیت و همچنین تأثیر سازمان‌های فراملی و فروملی بر مسائل امنیت می‌باشد که از خلال این مؤلفه می‌توان به نقش حزب‌الله لبنان نیز در رابطه بین ایران و سوریه و همچنین سیاست خارجی دو کشور در قبال این جنبش در ایجاد رابطه امنیتی بین دو کشور اشاره کرد.

۶-۹. اطمینان‌دهی از استمرار حمایت: حمایت ایران از طرفداران سقوط حکومت به معنی حمایت از یک جریان شبه‌نظامی است که فاقد پایگاه اجتماعی هستند و این امر هیچ‌گاه نمی‌تواند به‌عنوان اولویت سیاست خارجی ایران باشد. در مقابل حمایت از خواست و انتخاب مردم، حق تعیین سرنوشت، مخالفت با دخالت خارجی و درنهایت مبارزه با گروه‌های مسلح، همگی چهارچوب حمایت از مردم را شکل می‌دهند که در محیط امنیتی، دستاوردهای قابل توجهی نیز داشته است.

۶-۱۰. ثبات و آرامش امت اسلامی: ثبات در زندگی داخلی امت و گسترش آرامش روانی افراد آن، به‌طور مستقیم با میزان انطباق مجموعه عقاید و ارزش‌ها و تصویرهای ذهنی ایده‌آل از روابط میان انسان‌ها با واقعیات زندگی و معاش انسان‌ها مرتبط است. چنان که این ثبات با میزان تنظیم حقوق و تکالیف متقابل افراد امت نسبت به یکدیگر از طرفی و تنظیم روابط فرد فرد اعضای امت با کلیت امت اسلامی به‌عنوان یک کل واحد و دربرگیرنده همه اعضای خود مرتبط می‌باشد که این در فضای آرمان‌های مطلوب برای رسیدن به سطح دغدغه‌های امت اسلامی کافی است. این تحول مبتنی بر میزان بیدار شدن احساس مسئولیت انسان مسلمان در رابطه با منافع عمومی امت اسلامی است لذا ناگزیر برای تحقق امنیت داخلی امت اسلامی باید اسلام را به شیوه‌ای صحیح در چهارچوب اسلام ناب و به دور از تعصب و همچنین در قالب‌های نو و روزآمد اجرا نمود. چنین الگوسازی می‌تواند متضمن نفوذ در میان مردم سوریه اعم از مسلمان و مسیحی باشد، چراکه قالبی امت‌گونه و فراتر از قالب‌های اسلام جعلی و داعشی دارد که مورد اقبال قرار

خواهد گرفت.

برای مدیریت عوامل برشمرده شده در بررسی محیطی در محیط امنیتی، نگاه و گفت‌وگو حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی راهبر دساز و تعیین کننده منافع امنیت ملی در سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی به موازات اقدامات نظامی و امنیتی بوده است. تحلیل و فهرست بندی از بیانات ایشان با کلیدواژه‌های سوریه، بیداری اسلامی، استکبار جهانی، آمریکا، گروه‌های تکفیری، گروه‌های تروریستی و مدافعان حرم حاوی مضامین پایه ذیل است:

۱. تمایز بحران این کشور از مؤلفه‌های قیام مردمی و به‌ویژه بیداری اسلامی.
۲. نقش مردم و انتخابات در حل بحران سوریه.
۳. عبرت گیری از بحران سوریه برای دیگر کشورهای منطقه و بصیرت داشتن.
۴. مقصر اصلی و پشت پرده بحران سوریه: آمریکا و رژیم صهیونیستی.
۵. هدف دشمن از ایجاد بحران: تأمین منافع رژیم صهیونیستی و ضربه زدن به مقاومت در منطقه.
۶. حقیقت بحران سوریه: مجموعه‌ای از دولت‌ها به سردمداری آمریکا، گروه‌های مخالف دولت سوریه را به جنگی نیابتی از طرف خودشان با دولت سوریه وادار کرده‌اند.
۷. عامل ایجاد بحران: ارسال سیل گونه سلاح به داخل سوریه و حمایت مالی از گروه‌های بی‌مسئولیت.
۸. مدت استمرار بحران: تا وقتی که نقشه خطرناک دولت‌هایی که جنگ نیابتی را به راه انداخته‌اند، ادامه داشته باشد.
۹. شرط طبیعی حل بحران: جلوگیری از ارسال سلاح به گروه‌های بی‌مسئولیت داخل سوریه.
۱۰. نتیجه ادامه بحران: وجه‌المصالحه و قربانی شدن مردم سوریه.
۱۱. عامل شکست طرح کوفی عنان: دولت‌هایی که جنگ نیابتی را در سوریه به راه انداخته‌اند (آمریکا و رژیم صهیونیستی و...).
۱۲. تبلیغات انحرافی دشمن درباره ماهیت بحران سوریه: القای جنگ شیعه و

سنی.

۱۳. پیشنهادی برای برون‌رفت از بحران: جنبش غیرمتعهد‌ها با ورود سیاسی خود، ابتکار عمل را به دست گیرد و به وضعیت کنونی پایان دهد.

۱۴. توجیه منطقی پیشنهاد ایران: جنبش عدم تعهد قطعاً بیش از آمریکا، ناتو و برخی کشورهای اروپایی، حق ورود سیاسی به مسائل سوریه را دارد.

۱۵. پاسخ به یک شبهه: وجود سلاح در دست دولت سوریه طبیعی است، زیرا دولت سوریه مانند هر دولتی ارتش دارد.

۱۶. سیاست اصولی ایران: مخالفت با هرگونه دخالت خارجی در مسئله سوریه.

۱۷. توصیه به دولت سوریه:

الف. بهانه ندادن به دست مخالفان و بهانه‌جویان.

ب. ادامه اصلاحات سیاسی.

ج. تشریح و افشاء واقعیت و پشت پرده توطئه برای افکار عمومی ملت‌های عرب.

۱۸. عامل جلوگیری از تکرار بحران‌های مشابه: همکاری و اتحاد کشورهای مستقل و اسلامی.

۱۹. اگر امروز به مخالفان سیاست‌های دولت‌های اروپایی نیز که اقدام به برپایی تظاهرات می‌کنند، پول و سلاح داده شود، قطعاً وضعیت کنونی سوریه در این کشورها نیز به وجود خواهد آمد.

نکته قابل ذکر دیگر استفاده از بسترهای مهم زمانی و مخاطبان بین‌المللی در طرح موضوع سوریه است. از جمله کنگره بین‌المللی حج، دیدار با اعضای اتحاد رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، دیدار با سفرای ایران در دیگر کشورها و... که در این خصوص پیام در محمل مناسب‌تری به مخاطبان سوری و افکار عمومی داخلی این کشور منتقل می‌گردد.

۷. تجزیه و تحلیل و نتایج یافته‌ها

بر مبنای گفتمان امنیت در اسلام در تعریف محیط امنیتی سوریه و منافع ملی و فراتر از آن، منافع کلان جهان اسلام، می‌توان گفت: تقویت عملکرد سوریه به‌عنوان سد نفوذ سیاست‌های آمریکا علیه ایران در خاورمیانه ضروری است و بر این اساس بایستی گفتمان‌هایی که در لایه‌های اجتماعی و تأثیرگذار افکار عمومی منتشر و فراگیر می‌گردند مبتنی بر اندیشه‌های وحدت میان جمهوری اسلامی ایران و سوریه باشند.

راهکارهای این امر با توجه به قرار داشتن سوریه و مقاومت مردمی آن به‌عنوان تلاقی‌گاه نزدیکی ناسیونالیسم عربی و ایرانی-اسلامی و همچنین کاربست استراتژی دفاع-تهاجم ایدئولوژیک ایران در سوریه -که برای حفظ امنیت جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از دستبرد منطقه توسط غرب نقش کلیدی دارد- عبارت‌اند از:

۷-۱. اشراف اطلاعاتی

۷-۱-۱. جمع‌آوری اطلاعات پیرامون افراد، مردم‌شناسی، ارزش‌ها و سبک‌های زندگی، رفتارها، خانواده‌ها و فرهنگ مردم سوریه.

۷-۱-۲. احصاء رفتارها و رویکردهای عمومی: نظر اکثریت افراد نسبت به تحولات و رویدادهای مهم سیاسی، امنیتی و نظامی، بهداشت روانی و عمومی، اطلاعات محیطی و توجه به آن، فعالیت مراکز غیردولتی و ...

۷-۱-۳. شناسایی رویکردها نسبت به خدمات مستشاری و حضور خارجی: درصد اعتماد به نیروها و توانمندی‌های داخلی، هزینه اختصاص‌یافته به حضور نیروهای خارجی، میزان اعتماد به نیروهای خارجی و باورها نسبت به عملکرد آن‌ها در استقرار امنیت و دفاع از مردم و دولت.

۷-۱-۴. تکمیل اطلاعات در موضوع مذهب: درصد حضور در مراکز مذهبی و نسبت جمعیتی و سنی آن، درصد فرقه‌ها و ادیان مختلف مذهبی، مراکز تأثیرگذار، نقش مذهب در زندگی واقعی، نقش نهادهای رسمی و مراکز غیردولتی در پیشبرد مذهب، درصد اختصاص درآمد افراد به مذهب، تساهل مذهبی و ...

۷-۲. گسترش ابزارهای نفوذ

۷-۲-۱. تقویت رسانه‌های همگرا بر اساس نوع نیازمندی و جغرافیای مناطق درگیر (روزنامه، تلویزیون، ماهواره، رادیو، اعلامیه، فضای مجازی و...).

۷-۲-۲. ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی و انتقال پیام در بستر اجتماعی و مبتنی بر ساختار سستی سوریه؛ از جمله شبکه مساجد، کلیساها، دانشگاه‌ها و دیگر مراکز فرهنگی، مذهبی و اجتماعی.

۷-۳. مهارت‌ها و قابلیت‌های تعقیب منافع امنیت ملی

۷-۳-۱. طرح توجیه و انکار عملیات‌های نظامی: عملیات‌ها و اقدامات نظامی در مناطق درگیر بحران تروریسم در سوریه علاوه بر ابعاد اطلاعاتی، امنیتی و عملیاتی، جنبه عملیات روانی نیز دارند که امروزه نقش مهم و گسترده و تعیین‌کننده‌ای گاهی در تعیین طرف پیروز دارند. لذا ضروری است ضمن انکار و پاسخ به عملیات روانی دشمن، طرح‌های توجیهی مبتنی بر اقناع افکار عمومی، تدوین و پیاده‌سازی گردند. وزیر خارجه انگلیس «آنتونی ایدن» در سال ۱۹۳۷ میلادی می‌گوید، «البته کاملاً درست است که تبلیغات فرهنگی خوب نمی‌تواند آسیب ناشی از سیاست خارجی بد را درمان کند اما اغراق نیست بگوییم حتی بهترین سیاست‌های دیپلماتیک نیز شکست می‌خورند اگر وظیفه تفسیر و اقناع را که شرایط مدرن تحمیل می‌کند نادیده بگیرند» (Wagnleitner, 1994: 50).

۷-۳-۲. مشروعیت و کاربرد رفتارها و سازوکارهای تولید امنیت در جایی ممکن است که پذیرش قانونی و اجتماعی نیز داشته باشند.

۷-۴. گفتمان‌سازی

۷-۴-۱. گفتمان‌سازی گام نخست در حرکت به سوی یک هدف در سطح کلان اجتماعی و تبدیل آن به یک گفتمان عمومی در فضای اجتماع است. این گفتمان‌سازی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران (کشور سوریه) را می‌توان از طریق نفوذ در رهبران و نخبگان و اهمیت پیشتازی آنان در عرصه گفتمان‌سازی عملی نمود.

۷-۴-۲. محبوبیت عظیم انقلاب اسلامی در جهان و تمام اسلام‌خواهی‌ها نتیجه انقلاب

اسلامی بوده است، اگر یک کشوری بتواند به مردم کشورهای دیگر انگیزه راهپیمایی بدهد نوعی قدرت است و این معجزه فقط از اسلام و ایدئولوژی انقلابی برمی‌آید، از نظر کشورهای دیگر ایران پرچم‌دار انقلابی‌گری است (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۴).

۷-۵. ایجاد هسته‌های هواداری

۷-۵-۱. نفوذ در مدیران فرهنگی برای جریان‌سازی و رهبران فرهنگی برای فرهنگ‌سازی و توجه به نقش افراد تأثیرگذار و دارای مقبولیت اجتماعی، لازم و ضروری می‌نماید. از جمله اولویت‌ها که برای تأثیرگذاران ذکر شده؛ تبیین ضعف‌ها و نواقص و واقعیت‌های منویات نظام سلطه و آمریکا و همه پدیده‌های مرتبط با آن، حمایت از جوانان خلاق و جریان‌ساز و لزوم ایجاد جنبش نرم‌افزاری در مقوله‌های اجتماعی و سیاسی در محیط امنیتی می‌باشد.

۷-۶. حرکت از پوسته و کارکردهای سخت به نرم

۷-۶-۱. در جمهوری اسلامی ایران، سرچشمه عمده قدرت نرم، از ایمان به جمهوری اسلامی و ارزش‌های مسلط نشأت می‌گیرد. علت این امر قدرت‌گیری فرهنگی و ایدئولوژیک است که بر اعتبار استوار است و با توجه به موقعیت برتر ایران در عرصه اعمال قدرت نرم در قبال محیط امنیتی خود احتمال اینکه کار خود را بهتر از دیگران انجام دهد متصور است زیرا در اذهان و قلوب بهتر نفوذ کرده است.

۷-۶-۲. توجه به اولویت‌های نرم در مقابل اولویت‌های سخت آن از جمله تولید رضایت، وفاداری، غرور ملی نسبت به تأمین امنیت مرزها و شهرها، دفاع از منافع برون‌مرزی، برخورد با تروریسم و ... رویکرد مناسبی برای نیل به مقصود است.

۷-۷. توسعه مشارکت‌ها و همکاری‌ها

۱-۷-۷. جایگاهی که تعیین‌کننده ارزش‌ها و هویت امنیت باشد قابلیت تأمین امنیت و در نتیجه آن پذیرش زمینه‌های حضور و نفوذ را خواهد داشت؛ ایدئولوژی، مردم، نهاد و فرد هر یک می‌توانند مرجع این مسئله باشند.

۲-۷-۷. توسعه مشارکت‌ها و همکاری‌های دوجانبه با محیط امنیتی از دیگر ملزومات دوره گذار به توسعه و ثبات سیاسی است که می‌تواند در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... به کار گرفته شود.

۳-۷-۷. تمرکز قدرت بر تأمین امنیت از منابع پایدار، ماندگار و مشروع که ایدئولوژی بخشی از گفتمان آن است مبتنی بر استفاده از عناصر مردمی و هویت و فرهنگ است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش راهکارهای گسترش و کیفی‌سازی سطح حضور و نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تأثیرگذار عمومی در محیط امنیتی سوریه با تأکید بر آرا و دیدگاه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد تأکید قرار گرفت. چراکه روابط امنیتی بین ایران و سوریه نه با رویکردهای نظامی و امنیتی مبتنی بر دولت‌محوری و نه با رویکردهای صرف جامعه‌محور و الگوهای رایج دیپلماسی عمومی بلکه با تلفیقی از این دو فراهم می‌گردد. سوریه دارای اهمیت راهبردی در تعقیب منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، لذا حضور بلندمدت و درعین‌حال پذیرش اجتماعی این حضور، دارای اهمیت است. متوقف ماندن، رکود و یا عقب‌گرد از اهداف و سیاست‌های حضور در محیط هدف به دلایل مختلف از جمله تشتت در فهم امنیت ملی و یا فرایندهای متوقف و ناتمام در استفاده از منابع و ظرفیت‌ها برای تعقیب منافع امنیت ملی، یک آسیب جدی فرایندی است.

رصد نمودن گام‌ها و مراحل بر اساس نگاه راهبردی و آینده‌نگری در عرصه رقابت و تراحم موجب غفلت و کاهش اشراف اطلاعاتی می‌گردد. اگر برای سال‌های آتی حضور در محیط امنیتی حریف نتوانیم برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی و لابی‌های سیاسی داشته باشیم

عملاً از آن محیط خارج خواهیم شد.

عدم نگرش مرحله‌ای و برنامه‌ای به فرایندها بر اساس اختصاص و منابع و اعتبارات، موجب استهلاک ظرفیت‌ها و کاهش سطح حضور و نفوذ می‌گردد. حضور باید مبتنی بر برنامه نفوذ، تثبیت، به دست گرفتن و همانندسازی بوده و برای هر یک برنامه طراحی شود. علاوه بر آن، بازخوردها در هر مرحله اخذ و مدیریت شوند. در هر یک از مراحل نیز ایجاد حداکثر توان برای ورود به مرحله بعد ضروری است. نیل به این مقصود نیازمند نگاه آینده‌پژوهانه است که طی آن به صورت دقیق آینده محیط امنیتی پیش‌بینی گردد.

در نهایت هفت راهکار با استفاده از ۱۹ مضمون گفتمانی در قالب و شیوه‌های فرهنگی و اجتماعی توصیه شده که می‌تواند تضمین‌کننده گسترش و کیفی‌سازی سطح حضور و نفوذ در لایه‌های اجتماعی و تأثیرگذار عمومی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سوریه باشد. لذا تعقیب تدابیر و سیاست‌های ابلاغی ضروری است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- مقام معظم رهبری، آیه‌الله خامنه‌ای، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار. www.khamenei.ir
- خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۶۹)، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- اخوان مفرد، حمید، (۱۳۸۱)، ایدئولوژی انقلاب ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
- اسپوزیتو، جانال، (۱۳۸۲)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه دکتر محسن مدیرشانه چی، مقاله صدور انقلاب ایران: سیاست اهداف و وسایل، روح‌الله کارگر رضانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۹)، صلح و امنیت بین‌الملل، رویکرد اسلامی، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل، به اهتمام حسین پوراحمدی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- آذربایجانی، مسعود و دیگران، (۱۳۸۵)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، چاپ دوم.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن، (۱۳۹۴)، سخنرانی در دانشگاه تهران، خبرگزاری فارس، قابل دسترس در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940129001238>
- رستمی، فرزاد، (۱۳۹۴)، غیرامنیتی کردن امنیت اجتماعی و قومیت در ایران، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سندج، انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- سلیمانی پورلک، فاطمه، (۱۳۹۰)، قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شایسته، مهدی و عراقی، غلامرضا (۱۳۹۴)، ارزیابی سیاست‌گذاری‌های صدور انقلاب اسلامی ایران از منظر ماتریس سوات، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عصاریان‌نژاد، حسین، (۱۳۹۵)، مصاحبه؛ محیط‌شناسی امنیتی در دوره دکتری امنیت ملی گرایش تهدیدات، دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی.

- فرانزوی، استغن، (۱۳۸۱)، روان‌شناسی اجتماعی، مهرداد فیروزبخت و دیگران، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
- فرزندی، عباسعلی، (۱۳۸۴)، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، دفتر ششم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- کریمی فرد، حسین، (۱۳۸۸)، تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مؤلفه‌های هویت ملی، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌الملل دانشگاه آزادشهرضا، شماره ۲.
- کریمی، یوسف، (۱۳۷۷)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران: ارسباران، چاپ چهارم.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۷)، منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران، مجله پانزده خرداد، شماره ۱۶.
- ملکی، عباس، (۱۳۸۵)، کند و کاوها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مفاهیم مطرح و فرایند انجام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد یاس، شماره ۵.
- مولانا، عبدالحمید و محمدی، منوچهر، (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد، تهران: نشر دادگستر.
- نجفی، موسی، (۱۳۸۷)، انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی موج چهارم بیداری اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی ج.ا.ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- یزدانی، عنایت‌الله و اخجسته، جمیل، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴.
- بوزان، باری، (۱۳۸۱)، خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳.
- ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۸۶)، تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ، سیاست خارجی، شماره ۸۲.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۴)، محیط امنیتی خاورمیانه و سیاست دفاعی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۱۳ و ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳.

ب. منابع انگلیسی

- Ernest J. Wilson III (2008). The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, March; vol. 616

- Gonesh, ashvin and jan melissen (2005); public diplomacy: improving practice Netherlands institute of international relations clingedael.
- Jepperson, Ronald L, Alexander Wendt and Peter J. Katzenstein, (1996);“Norms, Identity, and Culture in National Security”, in Peter J. Katzenstein, ed, The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics, New York: Columbia University Press
- Nye, Joseph (2002);the paradox of American power: why the world’s only superpower can’t go it alone. New York: oxford university press.
- Nye, Joseph (2004); soft power: the means to success in world politics. New York: public affairs.
- Pfaltzgraff, Robert L (1981). The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, September; vol. 457, 1: pp. 186-197.
- Sampson, Martin (1987); culture influences on foreign policy, in carle Hermann f. Charles w. kegley new pirections in the study of foreign policy, boston: allen and unwin.
- Setty, Sudha (2012). National Security Interest Convergence. Harvard National Security Journal / Vol. 4. Available in: harvardnsj.org/wp-content/uploads/2013/01/Vol.4-Setty-FINAL.pdf
- SHESTACK, JEROME J. (1989). The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, November; vol. 506, 1: pp. 17-29.
- Snow, Nancy and Philip M. Taylor (2009) Routledge Handbook of Public Diplomacy, London: Routledge.
- Wagnleitner, Reinhold (1994). Coca colonization and the cold war. Chapel Hill: University of North Carolina Press.